

اجتناب از تفرقه و تمسک تامّ به اتحاد

حضرت بهاءالله:

۱ - " إِيَّاكُمْ أَنْ تَفَرِّقَكُمْ شَتُونَاتُ النَّفْسِ وَالْهَوَىٰ كَوْنُوا كَالْأَصَابِعِ فِي الْيَدِ وَالْأَرْكَانِ لِلْبَدَنِ كَذَلِكَ يَعِظُكُمْ قَلَمُ الْوَحْيِ إِنْ أَنْتُمْ مِنَ الْمُوقِنِينَ "
(كتاب اقدس - بند ۵۸)

۲ - " إِنَّ اللَّهَ أَحَبُّ الْوَصْلِ وَالْوَفَاقِ وَأَبْغَضُ الْفَصْلِ وَالطَّلَاقِ " (كتاب اقدس - بند ۷۰)

۳ - " إِنَّهُ قَدْ حَدَّدَ فِي الْبَيَانِ بَرَضَاءَ الظَّرْفَيْنِ إِنَّمَا لَمَّا أَرَدْنَا الْحَبَّةَ وَالْوَدَادَ وَاتِّحَادَ الْعِبَادِ لَذَا عَلَّقْنَاهُ بِإِذْنِ الْأَبْوِينَ بَعْدَهَا لِفَلَا تَقَعُ بَيْنَهُمُ الضَّغِينَةُ وَالْبَغْضَاءُ " (كتاب اقدس - بند ۶۵)

۴ - " يَا أَحِبَّائِي أَنْ اتَّحِدُوا فِي أَمْرِ اللَّهِ عَلَى شَأْنٍ لَا تَمَرُّ بَيْنَكُمْ أَرْيَاحُ الْإِخْتِلَافِ هَذَا مَا أَمَرْتُمْ بِهِ فِي الْأُلُوحِ وَهَذَا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ " (ص ۱۰۲ كتاب مبین)

۵ - " فَوَعَزَّتْكَ يَا مَحْبُوبِي لَوْ تَعَذَّبَنِي فِي كُلِّ حِينٍ بِبَلَاءٍ جَدِيدٍ لِأَحَبِّ عِنْدِي بِأَنْ يَحْدُثَ بَيْنَ أَحِبَّائِكَ مَا يَكْدُرُ بِهِ قُلُوبُهُمْ وَيَتَفَرَّقُ بِهِ اجْتِمَاعُهُمْ لِأَنَّكَ مَا بَعَثْتَنِي إِلَّا لِاتِّحَادِهِمْ عَلَى أَمْرِكَ الَّذِي لَا يَقُومُ مَعَهُ خَلْقُ سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ وَإِعْرَاضُهُمْ عَمَّا سِوَاكَ وَإِقْبَالُهُمْ إِلَى أَفْقِ عَزِّ كِبَرِيَّاتِكَ وَتَوَجُّهِهِمْ إِلَى شَطْرِ رِضَائِكَ " (ص ۲۲۸ مجموعه الواح حضرت بهاءالله)

۶ - " قُلْ أَنْ اتَّحِدُوا فِي كَلِمَتِكُمْ وَاتَّفَقُوا فِي رَأْيِكُمْ " (لوح الحكمة)

۷ - " مقصود از ظهور و ذکر و بیان آنکه نفاق برخیزد و بجایش اتفاق مقام اخذ نماید " (ص ۱۲۸ فضائل اخلاق)

۸ - " اوّل امری که از معرفت حاصل میشود الفت و اتفاق عباد است چه که باتفاق آفاق عالم منور و روشن " (ص ۲۰ مجموعه اشراقات)

۹ - " اصحاب صفا و وفا باید با جمیع اهل عالم به روح و ریحان معاشرت نمایند چه که معاشرت سبب اتحاد و اتفاق بوده و هست و اتحاد و اتفاق سبب نظم عالم و حیات امم است " (طراز دوم از طرازات)

۱۰ - " و اینکه در باره اتّحاد سؤال نمودید اتّحاد در رتبه اوّلیه اتّحاد در دین است و این اتّحاد لازماً سبب نصرت امرالله در قرون و اعصار بوده و اجتماع سیف معنوی الهی است ... و اتّحاد در مقامی اتّحاد در قول است و این بسیار لازم است مثلاً ملاحظه نما اگر دو نفس از اولیای حقّ در ارضی وارد شوند و در امری باختلاف سخن گویند ، سبب اختلاف شود و خود و سائرین از نعمت اتّحاد که از قلم مولی الایجاد نازل شده محروم و ممنوع گردند ... و در مقامی اتّحاد اعمال مقصود است چه که اختلاف آن سبب اختلاف گردد . این مظلوم ایّامی که از زوراء بادرنه نفی میشد در بین راه در مسجدی وارد صلاة مختلفه در آن محلّ مشاهده نمود اگر چه کلّ لفظ صلاة بر او صادق و لکن هر یک به اسبابی از هم ممتاز و اگر حزب فرقان فی الحقیقه بآنچه از قلم رحمن نازل شد عمل مینمودند جمیع من علی الارض بشرف ایمان فائز میگشتند اختلاف اعمال سبب اختلاف امر گشت و امر ضعیف شد ... و از جمله اتّحاد مقام است و اوست سبب قیام امر و ارتفاع آن ما بین عباد . برتری و بهتری که بمیان آمد عالم خراب شد و ویران مشاهده گشت . نفوسیکه از بحر بیان رحمن آشامیده اند و بافق اعلی ناظرند باید خود را در یک صقع و یک مقام مشاهده کنند . اگر این فقره ثابت شود و بحول و قوّه الهی محقق گردد عالم جنت ابھی دیده شود بلی انسان عزیز است چه که در کلّ آیه حقّ موجود و لکن خود را اعلم و ارجح و افضل و اتقی و ارفع دیدن خطائست کبیر . طوبی از برای نفوسی که به طراز این اتّحاد مزینند و من عندالله موفق گشته اند ... اگر قلم اعلی اراده نماید مراتب اتّحاد را در هر شی و در هر امر بتمامه ذکر فرماید سالها باید مشغول گردد . از جمله اتّحاد نفوس و اموال است و باین مقام ختم مینمائیم ذکر اتّحاد را امرا من عندنا و أنا المقنن المختار ... " (از ص ۳۸۸ تا ۳۹۸ ادعیه حضرت محبوب)

۱۱ - " قلم اعلی در این حین اولیای خود را طراً با اتّحاد و اتّفاق وصیت میفرماید لیظهر به امرالله المهیمن القیوم " (ص ۴۰۲ ادعیه حضرت محبوب)

۱۲ - " بنام دوست یکتا ای احزاب مختلفه با اتّحاد توجّه نمائید و بنور اتّفاق منور گردید . لوجه الله در مقرّی حاضر شوید و آنچه سبب اختلاف است از میان بردارید تا جمیع عالم بانوار نیر اعظم فائز گردند و در یک مدینه وارد شوند و بر یک سریر جالس . این مظلوم از اوّل ایّام الی حین مقصودی جز آنچه ذکر شد نداشته و ندارد . شکّی نیست جمیع احزاب بافق اعلی متوجّهند و بامر حقّ عامل . نظر بمقتضیات عصر اوامر و احکام مختلف شده و لکن کلّ من عندالله بوده و از نزد او نازل شده و بعضی از امور هم از عناد ظاهر گشته . باری بعضد ایقان اصنام اوهام و اختلاف را بشکنید و با اتّحاد و اتّفاق تمسک نمائید . اینست کلمه علیا که از امّ الکتاب نازل شده . یشهد بذلک لسان العظمة فی مقامه الرّفع . اتّجناب و سائر اولیاء باید باصلاح عالم و رفع اختلاف امم تمسک نمائید و جهد بلیغ مبذول دارید . إنّّه هو المؤید الحکیم وهو المشفق الکرم " (ص ۴۰۷-۸ ادعیه حضرت محبوب)

۱۳ - " ای دوستان حقّ مقصود از حمل این رزایای متواتره و بلائی متتابعه آنکه نفوس موقنه بالله با کمال اتّحاد با یکدیگر سلوک نمایند بشأنی که اختلاف و اثنیّت و غیریت از ما بین محو شود ... " (ص ۳۰-۲۲۹ مجموعه الواح حضرت بهاءالله)

۱۴ - " امیدواریم که در کمال الفت و محبّت و دوستی با یکدیگر رفتار نمائید بشأنی که از اتّحاد شما علم توحید مرتفع شود و رایت شرک منهدم گردد " (ص ۲۴۲-۳ ج امر و خلق)

۱۵ - " در کمال اتّحاد حرکت نمائید چنانچه خلافتی ما بین احدی ملحوظ نشود . در خیر و شرّ و نفع و ضرر و شدّت و رخاء جمیع شریک باشند " (ص ۱۵۴ دریای دانش)



حضرت عبدالبهاء:

۱ - " امروز اهمّ امور اتّحاد و اتّفاق احبّای الهی است که با یکدیگر یک دل و یک جان شوند تا توانند مقاومت خصومت اهل عالم کنند و تعصّبات جاهلیّه ملل و مذاهب را ازاله نمایند . هر فردی از افراد بشر را تفهیم نمائید که کلّ بار یکدارید و برگ یک شاخسار ولی تا نفس احبّای اتّحاد و اتّفاق کلّی نیابند چگونه توانند که احزاب سائره را با اتّحاد و اتّفاق بخوانند
جان نا یافته از هستی بخش کّی تواند که شود هستی بخش

(ص ۲۷-۸ ج ۵ مائده آسمانی ط ۱۲۹ بدیع)

۲ - " ای یاران الهی تا توانید بر اتّحاد و اتّفاق با یکدیگر کوشید زیرا کلّ قطرات یک بحرید و اوراق یک شجر و لقالی یک صدف و گل و ریاحین یک ریاض ، پس از آن در تألیف قلوب سائر ادیان بیکدیگر جانفشانی نمائید و با هر فردی از افراد انسانی نهایت مهربانی کنید . نفسی را بیگانه نخوانید و شخصی را بدخواه مشمرید . چنان رفتار نمائید که جمیع خلق خویش و پیوندند و آشنا و ارجمند . چنان سلوک نمائید که اینجهان فانی نورانی گردد و این گلخن ظلمانی گلشن رحمانی شود . این است وصیّت عبدالبهاء . این است نصیحت این عبد بینوا و علیکم البهاء الابهی ع ع " (ص ۳۰ ج ۵ مائده آسمانی ط ۱۲۹)

۳ - " الیوم خدمتی اعظم از اتّحاد و اتّفاق احبّای نیست " (ص ۳۹۱ ج ۱ مکاتیب حضرت عبدالبهاء)

۴ - " باید هر یک از یاران بدل و جان سعی بلیغ فرماید که ادنی غباری بر آئینه وحدت اصلیه ننشیند و روز بروز محبّت و الفت و مؤانست و معاشرت و ملاطفت در بین احباب تزیید یابد " (ص ۲۴۷ ج ۳ امر و خلق)

۵ - " اگر وحدت حال و یگانگی بی ملال در میان نیاید آن جمع پریشان گردد و آن انجمن بیسر و سامان " (ص ۵۰۶ ج ۳ مکاتیب)

۶ - " قسم بجمال قدم روحی لاحبّاء المتّحدین فدا که فرح و سروری از برای عبدالبهاء جز بشارات اتّحاد و اتّفاق احبّای نه زیرا اسّ اساس امرالله وحدت و یگانگی محبّت است " (ص ۲۰۰ ج ۲ مکاتیب)

۷ - " ای احبّای الهی اگر سرور و حبور و آسایش جان و راحت وجدان عبدالبهاء را خواهید بر اتّحاد و اتّفاق بیفزائید و جمیع امواج یک بحر گردید و قطرات یک نهر . گلهای یک گلشن گردید و حلقه های یک جوشن در یک هوا پرواز نمائید و به یک نغمه و آواز ترنّم ساز این سبب سرور ابدیست و راحت قلب و جان سرمدی " (ص ۳۹۱ ج ۱ مکاتیب)

۸ - آنچه اعظم امور است آن اتّحاد و اتّفاق جمهور احبّا و ائتلاف تامّ در میان یاران . این اهمّ امور است اگر نفسی ملول گردد اهمّیت بدهید بھر وسیله باشد او را گرم کنید و در دائره و حلقه خویش در آرید " (ص ۳۴۰ ج ۳ مکاتیب حضرت عبدالبهاء)



حضرت ولی امر الله:

۱ - " اتّحاد و یگانگی یاران اسّ اساس است و وسیله نجاح و ترقّیات کلّیه در دو جهان " (ص ۴۷ ج ۳ توقیعات مبارکه ۱۹۲۲-۴۸)

۲ - " اعظم وسیله نجاح و فلاح در مهامّ امور و حصول و وصول بمقصد و مرام در جلائل اعمال بالاخصّ در خدمات مفروضه امریّه اتّحاد است " (ص ۷۳ ج ۳ توقیعات مبارکه ۱۹۲۲-۴۸)

۳ - " هر جا وحدت و یگانگی نباشد روح حقیقی بهائی وجود ندارد " (ص ۷ نمونه حیات بهائی - ترجمه مصوّب)

۴ - " تا اتّحاد و اتّفاق کامل در بین احبّا جلوه ننماید و محکم و ثابت نگردد امر عزیز الهی در حالت توقّف باقی و از فتح و ظفر ممنوع و محروم " (ص ۱۱ منتخبات توقیعات مبارک)

۵ - " آنچه یاران الهی در هر جا بآن احتیاج دارند عشق و علاقه بیشتر نسبت بیکدیگر است " (ص ۳۱ نمونه حیات بهائی - ترجمه مصوّب)

